



مصاحبه بهنام جعفرزاده، سردبیر «هفت‌یک» با معروف‌ترین مربی پایه‌های فوتبال دنیا

تمرینات آرات را تأیید نمی‌کنم

تام بایر، معروف‌ترین مربی پایه‌های فوتبال دنیا، که نقش زیادی در تحول فوتبال ژاپن داشت، در گفت‌وگو با سردبیر هفت‌یک در مورد تجربه سه دهه‌ای‌اش در این حوزه صحبت کرد. زمانی که تام بایر در سال ۱۹۸۸ کارش را به عنوان مربی بازیکنان خردسال در ژاپن شروع کرد، این کشور حتی در بین قدرت‌های اصلی فوتبال آسیا نیز جای نداشت اما سه دهه بعد، تعداد زیادی از ستاره‌های مرد و زن فوتبال این کشور یا در دوره‌های آموزشی او شرکت داشته‌اند یا با تماشای برنامه‌های او به فوتبال علاقه‌مند شدند. او چنان تأثیری روی فوتبال پایه در ژاپن داشت که از او به عنوان کسی که باعث تحول فوتبال این کشور شد، یاد می‌شود. بایر که در ژاپن به نام سان معروف است، در گفت‌وگو با بهنام جعفرزاده، سردبیر هفت‌یک، از کارش در فوتبال این کشور، دلیل عقب ماندن فوتبال چین و همین طور مدتی که در سال‌های اخیر روی آن کار می‌کند، صحبت کرد:

از اینجا شروع کنیم که چرا تصمیم گرفتید به ژاپن بروید چون در اواسط دهه ۱۹۸۰، لیگ این کشور خیلی لیگ سطح بالایی نبود؟

به خاطر اینکه در اواسط دهه ۸۰ که من حدود ۲۰ سال داشتم، فوتبال حرفه‌ای در آمریکا خیلی محبوب نبود و لیگ قبلی آمریکا، NASL، در حال تعطیلی بود. بنابراین فوتبالی برای بازی کردن وجود نداشت. داستان خیلی طولانی‌ای است اما اگر بخواهم کوتاه بگویم، مربی من در دانشگاه، اروپایی بود؛ اهل مجارستان و با اولین مربی غیرژاپنی تیم ملی ژاپن، هانس اوفت هلندی، آشنایی داشت و از طریق این ارتباط، من به باشگاه هیتاچی معرفی شدم؛ باشگاهی که الان با عنوان کاشیوا ریسول در جی‌لیگ بازی می‌کند. به این ترتیب من به اولین بازیکن خارجی‌ای تبدیل شدم که برای هیتاچی بازی می‌کند. بازی در آنجا باعث شد تا من عاشق ژاپن بشوم و به همین دلیل بعد از پایان دوران بازی‌ام تصمیم گرفتم اینجا بمانم و به توسعه فوتبال کمک کنم؛ به پیشرفت بازیکنان خردسال با تمرکز به عنوان متخصص کارهای تکنیکی. تلاش کردم به پیشرفت بازیکنان به صورت انفرادی کمک کنم، نه کار تیمی و شهرت من در ژاپن در این زمینه است.

در مورد فوتبال ژاپن در دهه ۸۰ صحبت کنیم. از لحاظ برنامه‌ریزی و سازماندهی چطور بود؟ به نظر تفکرات متفاوتی حاکم بود چون در آن زمان مثلاً به بازیکنی مانند یاسوهیکو اوکودرا که در بوندس لیگا بازی می‌کرد، اجازه

حضور در تیم ملی داده نمی‌شد.

در دهه ۸۰، همه باشگاه‌ها به کمپانی‌های بزرگ تعلق داشتند؛ بنابراین همه کمپانی‌های بزرگ در ژاپن مانند تویوتا، نیسان، یاماها، هوندا، میتسوبیشی الکتریک و هیتاچی، صاحب تیم بودند اما آن تفکر حرفه‌ای وجود نداشت. بنابراین بازیکنان خوب به دنبال رفتن به اروپا بودند مانند اوکودرا که گفتید که دوران خیلی خوبی در بوندس لیگا داشت یا یاهیرو کازاما که او هم در آلمان بازی می‌کرد. سطح بازیکنان ژاپنی در دهه ۸۰ خوب بود اما تعدادشان زیاد نبود و از نظر کُتی مشکل داشتند. اما اکنون شرایط کاملاً متفاوت است و بازیکنان باکیفیت زیادی در ژاپن هستند و این به ما اجازه می‌دهد تا بتوانیم از این بازیکنان خوب، جمعی از بهترین‌ها و درجه یک‌ها را بسازیم. در واقع نکته اصلی کاهش فاصله کیفی بین بازیکنان خوب و بازیکنان الیت است.

اتفاقی که در دهه ۸۰ رخ داد این بود که ژاپن تصمیم گرفت میزبان جام جهانی بشود و همین باعث شد که به فکر تشکیل یک لیگ کاملاً حرفه‌ای بیفتند تا بتوانند در سطح بین‌المللی به یک قدرت تبدیل شوند. این مسأله به اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ برمی‌گردد. به این ترتیب در سال ۱۹۹۳ جی‌لیگ راه اندازی شد و جی‌لیگ در واقع ادامه چیزی بود که در دهه ۸۰ وجود داشت. همه آن تیم‌ها تبدیل به تیم‌های حرفه‌ای شدند؛ سومی‌تومو مثال تبدیل شد به کاشیما آنتلرز، میتسوبیشی به اوراوا رز، یاماها به جوبیلو ایواتا، تویوتا به ناگویا گرامپوس، مزدا به سانفرجه و نیسان به یوکوهاما مارینوس. همه تیم‌ها همان بازیکنان سابق را داشتند اما باشگاه‌ها سازماندهی حرفه‌ای‌تری پیدا کردند و دستمزد بازیکنان حرفه‌ای شد.

در آن زمان که من بازی می‌کردم، بازیکنان حرفه‌ای کمی در لیگ ژاپن حضور داشتند. بیشتر آنها در دفاتر شرکت‌ها کار می‌کردند؛ با کت و شلوار و کراوات و سپس در زمان مشخص اجازه داشتند که دفتر را ترک کنند و به زمین تمرین بروند. اما این شرایط با شروع جی‌لیگ کاملاً تغییر کرد.

تفاوت بزرگ دیگر این بود که در دهه ۸۰، ساختار خیلی قدرتمندی برای توسعه فوتبال جوانان وجود نداشت. بنابراین وقتی جی‌لیگ در سال ۱۹۹۳ راه اندازی شد، یکی از پیش‌نیازها برای هر حضور یک باشگاه در جی‌لیگ، این بود که یک ساختار مشخص داشته باشد؛ ساختار باشگاهی به این معنی که تیم زیر ۱۲ ساله‌ها، زیر ۱۵ ساله‌ها، زیر ۱۷ ساله‌ها و زیر ۲۰ ساله‌ها داشته باشد و این تأثیر زیادی در شکل‌گیری فوتبال ژاپن به شکلی که اکنون می‌شناسیم، داشت. آنها واقعاً

به دنبال ساختن باشگاه‌های حرفه‌ای مشابه باشگاه‌های اروپایی بودند.

در دهه ۸۰، وقتی تیم ملی تشکیل می‌شد، تقریباً همه می‌دانستند ترکیب اصلی چه خواهد بود اما الان دیگر اینطور نیست چون بازیکنان خوب زیادی هستند که می‌توانند برای تیم ملی بازی کنند. تقریباً همه بازیکنان تیم ملی در اروپا بازی می‌کنند. در حالی که در دهه ۸۰، تقریباً همه در خود ژاپن بازی می‌کردند.

ژاپن در حال حاضر ۵۵ باشگاه حرفه‌ای در جی‌لیگ ۱، جی‌لیگ ۲ و جی‌لیگ ۳ دارد و این قابل توجه است که علی‌رغم داشتن ۵۵ باشگاه حرفه‌ای، همه بازیکنان تیم ملی در اروپا بازی می‌کنند و این چیزی است که باعث پیشرفت و قدرت دائمی فوتبال ژاپن شده است.

پروژه و فلسفه من براساس تحقیقاتی است که نشان می‌دهد بهترین بازیکنان دنیا، مثلاً آنهایی که در حال حاضر بهترین هستند یعنی لیونل مسی، کریس رونالدو، آندرس اینیستا، لوکامودریچ، پل پوگبا، روبرت لواندوفسکی، هری کین، لوئیس سوارز و خیلی‌های دیگر، وقتی تاریخچه‌شان را بررسی می‌کنیم، دو نکته مشترک می‌بینیم. یک اینکه همه آنها فوتبال را بین سنین ۲ تا ۵ سالگی شروع کردند و همه‌شان موفقیت‌شان را به پدرشان و گاهی به مادرشان نسبت می‌دهند.

چه چیزی شمارا ترغیب کرد که به عنوان مربی فوتبال پایه کارتان را شروع کنید؟

من در نیویورک به دنیا آمدم و در همان سال‌هایی که مشغول تحصیل در دبیرستان و کالج بودم، به مربیگری علاقه داشتم و تابستان‌ها در کمپ‌های فوتبال کار می‌کردم؛ بنابراین از سن خیلی پایین به مربیگری مشغول شدم و با توجه به اینکه از آن سن به مربیگری علاقه داشتم، الگوهای خوبی هم در ذهنم داشتم. دلیل دیگر این بود که خودم به عنوان یک کودک، مربی خوبی نداشتم. به همین دلیل می‌دانستم که داشتن یک مربی خوب در آن سن چقدر اهمیت دارد و تلاش کردم تا با برگزاری کمپ و دوره‌های

آموزشی، آن الگوی مورد نظرم را اینجا در ژاپن بسازم. من سابقه مربیگری تیم‌های زیر ۱۲ ساله‌های ژاپن را برای ۱۰ سال دارم اما فعالیت من بیشتر در زمینه تکنیک فردی است و این کار را با حضور در تلویزیون، رسانه‌ها و برگزاری دوره‌های آموزشی انجام می‌دهم.

و کارتان وقتی مورد توجه قرار گرفت که کمپانی نستله اسپانسر شما شد (توضیح: بایر در یکی از اولین دوره‌های آموزشی متوجه می‌شود که پدر یکی از شاگردانش در کمپانی نستله کار می‌کند و وقتی با او تماس می‌گیرد تا در مورد اینکه آیا این کمپانی حاضر است اسپانسر دوره‌های آموزشی او شود، سؤال کند، متوجه می‌شود که پدر آن شاگرد در واقع رئیس کمپانی نستله در ژاپن است)

بله، من کارم را در سال ۱۹۸۸ آغاز کردم و در سال ۱۹۸۹، اولین اسپانسر کمپانی نستله بود. من ۱۰ سال با آنها همکاری کردم. پروژه من با نستله پروژه بسیار بزرگی بود و من از این طریق به سراسر ژاپن سفر کردم.

در ابتدای کارم زبان ژاپنی من خوب نبود و به همین دلیل باید کسی را پیدا می‌کردم که دوزبانه باشد و شهرت خاصی هم نداشتم؛ به همین دلیل با یکی از بازیکنان معروف سابق تیم ملی ژاپن همکاری کردم. از آن به بعد، همیشه به دنبال پیدا کردن کسانی بودم که می‌توانستند کارهایی انجام بدهند که خودم نمی‌توانستم. به این ترتیب توانستم شبکه کاری‌ای ایجاد کنم و شهرتی برای خودم بسازم.

در ژاپن ما ۴۷ ایالت داریم و من با بیش از ۲۰۰۰ دوره آموزشی‌ای که برگزار کردم، بارها به هر کدام از آنها سفر کردم و بیش از ۵۰۰ هزار کودک را در سراسر ژاپن آموزش دادم.

آیا در آن زمان، در اوایل دهه ۱۹۹۰، هیچ ارتباطی با فدراسیون فوتبال ژاپن داشتید؟

اول از همه این را بگویم که فدراسیون فوتبال ژاپن بسیار قدرتمند و سازمان یافته است و همیشه به کمکش نیاز دارید. همه ۴۷ ایالت با فدراسیون وابسته هستند؛ بنابراین سازمان بسیار قوی و سازمان یافته‌ای است.

در دهه‌های گذشته، رئیس و مدیران فدراسیون فوتبال ژاپن به نوعی از کمپانی‌های بزرگ قرض گرفته می‌شدند. برای سال‌ها، فدراسیون فوتبال ژاپن تحت کنترل دو کمپانی بزرگ بود؛ میتسوبیشی و فوروکاوا الکتریک. هر دو کمپانی هم باشگاه‌هایی در جی‌لیگ داشتند. بنابراین این دو کمپانی برای سال‌ها موتور فوتبال ژاپن بودند. خیلی از رؤسای فدراسیون‌ها و حتی سرمربیان تیم ملی را این دو گروه انتخاب می‌کردند.